



Social Conduct of Allameh Hassanzadeh from the Perspective of Practical Wisdom and Moral Refinement

Abolfazl Gaini¹, Zahra Ghafouri^{2*}

1-Assistant Professor of Management Department, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran

2-PhD Student of Public Management, Faculty of Economics and Management, Lorestan University, Khorramabad, Iran

***Corresponding Author:**

Zahra Ghafouri
Faculty of Economics and Management, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Email: ghafouri.za@fc.lu.ac.ir

Abstract

Allameh Hassanzadeh has so many unique characteristics that one can talk about each of them in detail. However, his social life impresses every reasonable person considerably. If we look at the lives of these prominent religious scholars through the lens of practical wisdom, as narrated by Khwaja Nasir al-Din Tusi, we will see that these mystics have become role models of society and have become the representatives of practical wisdom through their deeds and conduct. They have taught their individual and social virtues and moral and spiritual perfections. Considering the prominent role and importance of social behavior in spiritual perfection, this article adopted a Thematic Analysis method to address the following question: How can the practical wisdom of Khwaja Nasir al-Din Tusi be influential in the social conduct of Ayatollah Hassanzadeh? Subsequently, using data extraction forms and holding interviews with associates and students of Ayatollah Hassanzadeh, qualitative data were obtained and analyzed using qualitative analysis techniques to achieve the research objectives. As a result, the conceptual framework of Ayatollah's social and biological life in three dimensions (ethical purification, household management, and civil politics) would distinguish this research.

Keywords: Allameh Hassanzadeh, Khawaja Nasir Al-Din Tusi, Moral refinement, Practical wisdom, Social conduct

► **Citation:** Gaini A, Ghafouri Z. Social Conduct of Allameh Hassanzadeh from the Perspective of Practical Wisdom and Moral Refinement. Religion and Health, Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli 2023; 1-10 (Persian).



سلوک اجتماعی علامه حسن زاده از دریچه حکمت عملی و تهذیب اخلاق

ابوالفضل گائینی^۱، زهرا غفوری^۲*

چکیده

ویژگی های منحصر به فرد حضرت علامه، بسیار متعدّدند به طوری که درباره هر یک از آنها می توان به تفصیل سخن گفت، لیکن در این میان سلوک اجتماعی ایشان هر انسان منصفی را به شگفتی وا می دارد. حال آنکه، اگر از دریچه حکمت عملی با تقریر خواجه نصیرالدین طوسی از آن به زندگی این عالمان برجسته دینی بنگریم، خواهیم دید که این عارفان الگوی جامعه قرار گرفته اند و نماینده حکمت عملی شده اند که با اعمال و رفتار و سلوک فردی و اجتماعی شان فضایل و کمالات اخلاقی و معنوی را آموزش داده اند. با توجه به نقش و اهمیت برجسته سلوک اجتماعی در کمالات معنوی، مقاله حاضر به روش تحلیل مضمون، به این پرسش می پردازد که چگونه حکمت عملی خواجه نصیرالدین طوسی می تواند در سلوک اجتماعی حضرت علامه حسن زاده تأثیرگذار باشد؟ در ادامه به کمک فرم فیش برداری و مصاحبه با نزدیکان و شاگردان حضرت، داده های کیفی حاصل شده و در راستای هدف پژوهش با استفاده از روش های تحلیل کیفی، طبقه بندی و تحلیل انجام شد. در نتیجه چارچوب مفهومی سلوک اجتماعی حضرت علامه در سه بعد (تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن) پژوهش حاضر را از سایر پژوهش ها متمایز ساخته است.

واژه های کلیدی: سلوک اجتماعی، علامه حسن زاده، حکمت عملی، تهذیب اخلاق، خواجه نصیرالدین طوسی

۱. استادیار گروه مدیریت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

* مؤلف مسئول:

زهرا غفوری
دانشجوی دکتری مدیریت دولتی،
دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه
لرستان، خرم آباد، ایران

Email: ghafouri.za@fc.lu.ac.ir

مقدمه

۱. بیان مسئله

حکمت متعالیه به سامان عقلی عالم کمک می‌کند تا به مرتبه عقل فعال یا مستفاد برسد و آن را مظهر عالمی ربوبی می‌کند؛ زمانی حکیم متأله نامیده می‌شود که همه عالم مانند کف دست برای او آشکار باشد. از این رو با تنظیم معیشت و حیات اجتماعی خود به شیوه‌ای که با رضای الهی هماهنگ باشد، می‌توان در مسیر تشبه به خدا پیشرفت کرد (۱). این مقدمه قصد دارد به مفهوم سلوک اجتماعی از دیدگاه علماء دینی به عنوان یک مفهوم متفاوت از رفتار اجتماعی بپردازد و تأثیر حکمت عملی و تهذیب اخلاق در تعیین معیارهای اخلاقی در این زمینه را بررسی کند. این مفهوم از نظر دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با مفهوم انسان‌شناسی دینی و اخلاق اسلامی تناسب دارد. در همین راستا شناخت سلوک اجتماعی عالمان دینی، امروزه از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو پرسش پژوهش به شرح زیر است: چگونه حکمت عملی خواجه نصیرالدین طوسی می‌تواند در سلوک اجتماعی حضرت علامه حسن‌زاده تأثیرگذار باشد؟

۲. پیشینه پژوهش

فیروز مهر (۱۳۹۶) در مطالعه خود با رویکرد توصیفی-تحلیلی کوشیده است تا روش‌های تزکیه نفس را از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان تبیین کند. ایشان پنج روش کلیدی را مورد بررسی قرار داده‌اند: تقویت ایمان و عمل صالح، تمرکز بر معرفت نفس، تمرکز بر نتایج دنیوی اخلاق، تمرکز بر نتایج اخروی اخلاق، تقویت حب عبودی. نبی‌لو (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی نظرها و آرای خواجه نصیر درباره تعلیم و تربیت انسان و نظام ارزشی حاکم بر آن» به سه نظام ارزشی در سه شاخه: امور فردی، اجتماعی و معنوی پرداخته است. سلطانی‌رنانی (۱۳۹۲) در مقاله خود نشان داد از جمله مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی که در بینش اسلامی و تفکر دو اندیشمند فرزانه جهان اسلام (علامه

طباطبایی و شهید مطهری) مهم به نظر می‌رسد می‌توان به تقوا، کرامت و عزت نفس، محبت، امنیت اجتماعی، ایثار و امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، مقاله حاضر نشان داد که حکمت عملی خواجه نصیرالدین طوسی و سلوک اجتماعی حضرت علامه حسن‌زاده دو شخصیت مهم در تاریخ اسلام هستند که ارتباط معناداری بین آن‌ها وجود دارد و بررسی این ارتباط می‌تواند به پیدایش نوآوری تحقیق منجر شود (۴-۲).

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

موضوع حاضر از اهمیت ویژه‌ای در مطالعات انسانی و دینی برخوردار است. علماء دینی به‌عنوان افرادی که نقش مهمی در تشکیلات دینی و اخلاقی جامعه دارند، تأثیر قابل توجهی بر رفتار و اختیارات انسان‌ها بر جای می‌گذارند؛ بنابراین، تبیین دیدگاه‌های آنان در زمینه سلوک اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است. ضمن اینکه عالمان دینی به عنوان معتبرترین مأموران در تبیین اصول دینی و اخلاق اسلامی نقش بسیار مهمی در ایجاد پایبندی انسان‌ها به این اصول دارند. تبیین چگونگی اجرای اصول اخلاقی در زندگی روزمره توسط آنان ضروری است (۵). از این رو پرداختن به موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که تأثیر مستقیمی بر رفتار انسان‌ها و جامعه دارد و می‌تواند به ایجاد اصول و معیارهای اخلاقی مشترک در جامعه کمک کند. این پژوهش براساس حکمت عملی «خواجه نصیرالدین طوسی» مطرح شده و با راهبرد توصیفی و رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات اولیه به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای و ادامه اطلاعات لازم برای تحلیل به صورت تحلیل مفهومی و کشف لایه‌های معنایی صورت گرفته است.

تعاریف و اصطلاحات

حکمت عملی: برخی حکمت عملی را منحصر به علم

اخلاق می‌دانند (۶). در تعریف خاص، حکمت عملی یک دانش اخلاقی است که در امتداد حکمت نظری و برای تکمیل آن ایجاد شده است. مهم‌ترین تفاوت آن با حکمت نظری ارتباط آن با اراده و عمل انسان است. حکمت عملی دو قسم است: یکی مرتبط به فرد است و دیگری مرتبط به مشارکت و جماعت. قسمت دوم نیز به دو بخش منزلی و اجتماعی تقسیم می‌شود. به این ترتیب، حکمت عملی سه قسمت می‌شود: تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن (۷).

تهذیب اخلاق: محقق طوسی معتقد است اخلاق و تربیت به یکدیگر وابسته‌اند و بررسی مسائل اخلاقی در نظامی که با تربیت شکل می‌گیرد، جزو گسترش نظام فکری و توسعه اصول عقلانی نیز محسوب می‌شود. به همین دلیل، خواجه در میان پیشرفت‌های اجتماعی به ارتباط این دو باور دارد و علم و آگاهی را از شرایط اصلی آن می‌داند (۸). در مقاله اول کتاب اخلاق ناصری، خواجه می‌گوید علم به نفس انسانی کمک می‌کند تا افعال او به تطابق با ارادتش، جمیل و محمود یا قبیح و مذموم باشند. فارابی نیز بر این باور است که اصل تعلیم اخلاق شایسته در افراد باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که افراد در آن، آماده زندگی در یک الگوی تعاملاتی باشند (۹).

تدبیر منزل: خواجه نصیر بر دو کارکرد اصلی منزل، یعنی حفظ حیات جسمانی (تغذیه و امنیت) و حیات روحانی (کانون خانواده) تأکید می‌کند (۱۰). تدبیر منزل معنای ارزش‌ها و اصول اخلاقی مرتبط با خانواده را دارد و چون خانواده محور تربیت اخلاقی فرد و مکان ایجاد روابط خاص همچون همسری، فرزندی، پدری و مادری است، نقش مهمی در تشکیل شخصیت اخلاقی انسان ایفا می‌کند. فارابی در عالم اسلام به مباحث تدبیر منزل اشاره کرده است که بیشتر با کتاب سیاست ارسطو مطابق است (۱۱). آنچه در نوشته‌های فارابی، به طور مشخص و صریح درباره امر تدبیر منزل وجود دارد، در فصل بیست و چهارم و بیست و پنجم از فصل‌های تفکیک‌شده او، آمده است (۱۲).

سیاست مُدن: در عالم اسلام، فارابی و سایر

اندیشمندان مانند ابن‌سینا، غزالی، خواجه نصیر و ابن مسکویه به مباحث وظایف اخلاقی در ساختار جامعه توجه کرده‌اند. این علم به وظایف اخلاقی انسان نسبت به ساخت جامعه و مناسبات میان نهادهای مدنی می‌پردازد و هنجارها و بایسته‌های ترتیب جامعه ایدئال را به همگان می‌آموزد. خواجه نصیر سیاست را به چهار دسته تقسیم می‌کند: سیاست ملک (تدبیر امور اجتماعی)، سیاست غلبه (تدبیر امور افراد پست)، سیاست کرامت (تدبیر امور کسانی که برای دستیابی به کرامات می‌کوشند) و سیاست جماعت (تدبیر امور گروه‌های مختلف مردم بر اساس قوانین الهی). به‌طور کلی، حکمت مدنی سیاست ملک و تدبیر جماعت، پیوند ناگسستنی دارند و او معتقد است که سیاست ملک باید به نحوی باشد که به ایجاد فضایی برای ترویج فضایل منجر شود (۱۳).

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-اکتشافی است که به تفصیل در مورد مؤلفه‌های زیست اجتماعی علم ربانی بر اساس حکمت عملی خواجه نصیرالدین طوسی صحبت می‌کند. پژوهش حاضر در چارچوب الگوی تفسیری و مطالعه کیفی قرار می‌گیرد و برای تحلیل داده‌ها از راهبرد تحلیل مضمون استفاده می‌شود. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است؛ به‌طوری‌که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفضیلی تبدیل می‌کند (۱۴). جامعه آماری پژوهش از میان نزدیکان و شاگردان علامه، که از سلوک اجتماعی ایشان آگاهی داشتند و با بحث‌های فلسفه اسلامی و حکمت عملی آشنا بودند، به طور نمونه انتخاب شدند. در واقع مطالب اظهارشده مکتوب آن‌ها از طریق پایگاه‌های داده و متون معتبر، که پیشتر مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، استخراج و در قالب پرسش‌های زیر طراحی شد. پرسش‌ها و مفروضات پژوهش به شرح زیر است:

- چگونه حضرت علامه به تهذیب اخلاقی انسان‌ها

در ابعاد مختلف می‌پرداخت؟

- آیا تجربیات و نظریات حضرت در تهذیب اخلاقی

همان قالب مضمون‌های پایه دسته‌بندی شدند. در ادامه مقوله‌هایی که بار معنایی مشابهی داشتند و مفهومی یکسان را به ذهن متبادر می‌کردند ذیل یک مقوله انتزاعی قرار گرفتند. به عبارتی با دسته‌بندی و تلخیص مضمون‌های پایه، تعدادی مضمون سازمان‌دهنده ظهور یافت. شکل ۱؛ نشان‌دهنده ۲۸ مضمون پایه و سه مضمون سازمان‌دهنده است. چارچوب مدل سلوک اجتماعی حضرت علامه از دریچه حکمت عملی طبق شکل ۱ ارائه می‌گردد. ابتدا مضامین سازمان‌دهنده‌ای که دارای تناسب و بار معنایی نزدیک بوده، در یک طبقه قرار داده شد و سپس با توجه به ابعاد حکمت عملی خواجه نصیر، هر یک از طبقات شکل گرفته، به مفهوم مرتبط تخصیص داده شد که هر یک از این مفاهیم، ابعاد چارچوب مدل را تشکیل داده است.

در ارتباط با موضوعات خاصی قرار داشت؟
- چگونه حضرت علامه نگرشی به تدبیر منزل و مسائل خانوادگی داشتند؟
- حضرت علامه چگونه به مسائل سیاسی و اجتماعی نگرسته و در چه موضوعاتی دخالت داشتند؟
- چگونه این چارچوب مفهومی ارائه شده در تعالی اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها تأثیرگذار بوده است؟
در همین راستا، متن مصاحبه‌های پیاده شده و مکتوب تعدادی از شاگردان برجسته و نزدیکان علامه جمع‌آوری شده و به‌عنوان جامعه آماری تحلیل و کدها از متن‌ها استخراج شدند.

یافته‌ها

در این مرحله، شناسه‌هایی که بیشترین قرابت معنایی و مفهومی را داشتند، کنار هم قرار داده شد تا معانی و واژه‌های جدید خلق شود. در واقع، شناسه‌ها در



شکل ۱: مدل سلوک اجتماعی علامه از دریچه حکمت عملی خواجه نصیرالدین طوسی

بحث

۱. محورهای سلوک حضرت علامه در عرصه تهذیب اخلاق

عبودیت و بندگی: هرگاه سخن از دنیا به میان می‌آمد، تبری می‌جست. وی مرعوب بودن به ربوبیت

حضرت حق را بزرگ‌ترین افتخار خود می‌دانست چیزی از خدا، غیر از خود خدا نمی‌خواست و می‌فرمود اگرچه بهشت شیرین است اما بهشت آفرین شیرین‌تر است (۱۵).

پاک و مطهر بودن: ایشان می‌فرمودند: این کبوترها،

و از هر دری هزار در دیگر به روی من گشوده شد (۱۹). صاحب مکاشفات بودن: علامه اهل سلوک و صاحب مکاشفات بود و این مکاشفات به او قدرت داده بود که در مقام بیان و اظهار با واقعیت همراه شود و خودشان تعریف می‌کردند من وقتی از علامه طباطبایی دستور سلوک گرفتم علامه دستور دادند یک چله؛ اما من هشت، ده چله را به هم وصل کردم؛ یعنی این‌طور اهل همت بود (۲۰).

دائم‌الذکر بودن: در یک مورد، علامه در حضور دراویشی که ذکر «یاهو» می‌خواندند، این ذکر را انتقاد کرده و تعبیری نسبت به آن ارائه دادند که ذکری است که حضرت خضر به امیرالمؤمنین در جنگ بدر آموخته است و در روایات هم آمده است. این ذکر به دست این دراویش افتاده است؛ ایشان تعبیر می‌کردند این بوق‌علی‌شاه‌ها. ایشان می‌فرمود: این ذکر، ذکر عجیبی است، حیف که دست این‌ها افتاده است. (۲۱).

۲. محورهای سلوک حضرت علامه در عرصه تدبیر

منزل

تأمین امورات خانواده: یک روز از نانوائی عبور می‌کرد، دید بوی بدی از یک گاری زباله می‌آید. وقتی به این گاری می‌رسد، می‌بیند که یک بنده خدا چوبی دستش گرفته و دارد این زباله‌ها را زیر و رو می‌کند. ایشان می‌گویند فهمیدم این بنده خدا دنبال چیزی قیمتی است تا آن را بفروشد تا از این طریق ارتزاق کند. تا این را دیدم دوان‌دوان به‌طرف خانه آمدم. به طرف کتابخانه رفتم و شروع کردم در دیوار و کتاب و قلم و آنچه را که بود غرق بوسه کردم و با گریه و آه و ناله به طرف خدا گفتم خدایا شکر تو را که رزق و روزی من را در این مسیر قرار دادی. من ورق می‌زنم و کتاب زیر و رو می‌کنم و زندگی می‌کنم، دیگران زباله زیر و رو می‌کنند و زندگی می‌کنند. من را این‌طور آفریدی و دیگران را آن‌طور. من چقدر باید قدردان نعمت این علم و معرفت و مسائل مربوطه بوده باشم (۱۶).

حس قدردانی از همسر: وی در مورد همسرش اظهار

غازها، گنجشک‌ها در نظام هستی دارند روزی می‌خورند بر صدق، بر پاکی. شما چرا ناپاک؟ پاک بخور، پاک ببین، پاک بگو، پاک عمل کن. به عبارتی انسانی قرآنی باش که لایمسه إلا المطهرون و هر چیزی که از شما بیرون می‌رود شما را مس می‌کند (۱۶).

جدیت و اهتمام داشتن: علامه آن زمان که در تهران بودند، به دلیل مشکلاتی ماه‌ها در انباری کوچکی از پشت‌بام خانه‌ای، با زن و فرزندانش به اجاره نشسته بودند اما در آن مدت حتی یک ساعت از درس هیئت خود را تعطیل نکردند (۱۷).

ریاضت حضرت علامه: کسی که چشمش باز و روشن است و روشن‌بینی و بصیرت خود را به نمایش گذاشت. حضرت علامه به این شعر شیخ بهایی رحمه‌الله علیه اشاره می‌کردند و می‌فرمودند:

رنج راحت دان چو مطلب شد بزرگ / گرد گله توتیای چشمم گرگ

بالاترین ریاضت همین دین‌داری است. حلال خوردن و حلال دیدن و پاک بودن بالاترین ریاضت است (۱۷).

طالب کسب علم بودن: علامه بیان می‌کرد که من تشنه علم هستم و اگر علم مثل آتش شود، من جان خود را به علم فدا می‌کنم. اگر این قلم از من بیافتد و من علم نداشته باشم، در این دنیا بهتر است که نباشم. او خود را با پروانه‌ای مقایسه کرد که عاشق آتش (علم) است (۱۸). منم آن تشنه دانش که گر دانش شود آتش / مرا اندر دل آتش همی‌باشد نشیمن‌ها

دریافت علم لدنی: علامه، در یک رویای صادقه و صالحه، از امام رضا (ع) علم طلب کرد و آن حضرت آب دهان مبارک خود را بر سر زبان مبارک خود جمع کردند و فرمودند که بنوش؛ بعد از اینکه این اتفاق رخ داد، علامه به درجه بالای معرفتی رسید. به نقل خود علامه وقتی از خواب بیدار شدم، گویا از عرش به فرش تنزل پیدا کردم و این نوعی طی الارض از عرش به فرش بود و ای‌کاش از خواب بیدار نمی‌شدم و در همان حال به قلبم خطور کرد که امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: پیغمبر اکرم (ص) آب دهانش را به لبش آورد و من آن را بخوردم که هزار در علم

رشته تحریر می آورده، ولی حالا فهمیده‌ام که همدلی مادران بوده که باعث شده من این آثار را بنویسم، او برای من محیطی آرام فراهم آورد که توانستم «زکات العلم نشره» را محقق سازم» (۲۳).

۳. محورهای سلوک حضرت علامه در عرصه سیاست مدن

تواضع در برابر استاد: در طی ۳۸ سال تحصیل در قم و تهران، علامه کف پای برخی از اساتیدش را بوسه زد و در محضر هیچ استادی نبود که کف پای او را نبوسیده باشد. همچنین، در مقابل استادانش تکیه به دیوار نمی‌کرد و دو زانو نمی‌نشست (۲۴).

فانی بودن در استاد: ایشان در برابر اساتیدش فانی بود؛ وقتی دیدند علامه طباطبایی با آن عظمت از خود خانه ندارد، کتاب‌های نفیس خود را جمع کرده و به جلوی ایشان گذاشت و گفت می‌خواهم این‌ها را بفروشم و با فروش آن‌ها برای شما خانه بخرم. می‌دانید که من این کار را می‌کنم، ایشان فرمود نه من به شما اجازه نمی‌دهم که این کار را بکنید (۲۵).

مردم‌داری: حضرت همیشه در خدمت مردم بود و به فقرا و محتاجان رسیدگی می‌کرد، به‌ویژه به بیماران روانی و جسمی. ایشان با بیماران به‌گونه‌ای صحبت می‌کردند که حتی برخی از آن‌ها از دیدار با ایشان حس خوشحالی داشتند (۲۰).

رسیدگی به فقرا: هر سال، علامه با درآمد حق التالیف و دیگر منابع مالی خود، برنج خریداری کرده و در قم در میان فقرا توزیع می‌کرد. در ماه رمضان به‌خصوص، خانه‌اش پر از برنج می‌شد و به نیازمندان کمک می‌کرد. همچنین، افرادی را داشت که به شناسایی و کمک به افراد مستضعف در اطراف قم اختصاص داده بودند (۲۰).

تعامل ایشان با مدرنیته: ایشان در مطالعه و تحقیق خیلی علاقه به کامپیوتر نداشت و می‌فرمود ورق زدن کتاب لذت دیگری دارد و کتاب برای او موضوعیت داشت. تلفن و تلویزیون را در حد ضرورت مورد استفاده قرار می‌داد و به اخبار آن بسنده می‌کرد. روزنامه‌ها را در حد

می‌کند که ایشان لایق عناوینی مانند علامه و آیت‌الله و فیلسوف و عارف هستند و اگر تحمل و صبر ایشان نبود، او نمی‌توانست به اهدافش برسد و از این فرصت‌ها بهره‌برداری کند (۱۶).

آموزش‌های خانوادگی: وی برای فرزندان‌شان از سوم راهنمایی تدریس جامع المقدمات را آغاز کردند و سپس به تدریس ادبیات فارسی پرداختند. ایشان تأکید داشتند که تحصیل ادبیات فارسی برای طلبه دینی ضروری است و کتب کلاسیک فارسی مانند کلیله و دمنه، بوستان و گلستان سعدی، بخشی از مثنوی معنوی و دیوان حافظ را به فرزندان خود آموختند و در نهایت به دروس تکمیلی در سطح بالاتر پرداختند (۲۲).

توجه به علایق فرزندان: نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است، تأکید پدر بر علایق فرزندان بود. ایشان از همه ما می‌پرسیدند که دوست داری در کنار دروس حوزوی، چه کتابی را بخوانی و در این زمینه بسیار راهنمای ما بودند (۲۳).

تأکید بر انجام واجبات برای اهل منزل: پدر به هیچ وجه اهل اجبار نبودند؛ نه در تحصیل علوم و نه حتی در مسائل سلوکی؛ فقط از ما می‌خواستند که واجبات را ترک نکنیم، تنها بر این مسئله تأکید شدید داشتند (۲۳).

تأکید بر یادگیری زبان‌های خارجه فرزندان: پدر بر یادگیری زبان‌های خارجی و اهمیت آن برای درک نظرات دیگران تأکید داشتند. برای نقد آرا و عقاید دیگران، تازه باید منابع آن‌ها را مطالعه کرد و سپس با علماء آن‌ها به بحث پرداخت. او تأکید می‌کرد که یک مسلمانی تقلیدی نیست و به بررسی مکاتب مادی و غربی پرداخته و متوجه شده که آن‌ها به پرسش‌های فیزیک و متافیزیک به‌طور جامع پاسخ نمی‌دهند و از این طریق به پوشالی بودن آن‌ها پی برده است. سپس به مطالعه ادیان مختلف پرداخته و بعد از تحقیقات کامل متوجه شده که هیچ‌یک از آن‌ها کلام و حرفی را به محکمی قرآن و کلام ائمه اطهار ندارند (۲۳).

همدلی با خانواده: پدر بعد از غم مادرم فرمودند: «تاکنون فکر می‌کردم دست من بوده که این آثار را به

تیتز مدنظر داشت البته معمولاً اطلاعات مهم روز به او می‌رسید ولی در این امور ریز نمی‌شد. نسبت به فیلم و سینما هم اقبالی نداشت به تعبیر خودشان وقتی کسی در کنار بحر است چه کاری با نهر دارد (۲۶).

ذوالفنون بودن: ایشان درکل برای علم حد و مرزی نمی‌شناسد و گاهی که صحبت از تخصصی شدن علوم به میان می‌آمد که در جای خودش حرف خوبی هم هست، ایشان صاف می‌فرمود راستش من همراه نیستم که خواسته باشیم شخص را محدود در یک فن کنیم. چه اشکالی دارد ما کارهای بیهوده را کنار بگذاریم و در همه فنون و علوم تخصص پیدا کنیم. چرا یک تخصص؟ ما باید ذوالفنون بوده باشیم و دارای فن‌های مختلف بوده باشیم، علامه ذوالفنون بودند و ریشه تمام علوم که استاد علامه از آن بهره‌مند بودند، علم معرفت النفس بود (۱۶)

برخورد با مخالفان: جرجی زیدان عیسوی مذهب گفته بود، نمی‌توان مطالب موجود در نهج‌البلاغه را به حضرت علی (ع) منسوب دانست و سیدرضی و سیدمرتضی که هر دو ادیب بودند این مطالب را نوشتند و برای ترویج کتاب خود، آن را به امام اول شیعیان نسبت دادند علامه حسن‌زاده از این ادعا به شدت ناراحت گردید و بر آن شد تا مصادر و مأخذ خطب و رسایل حضرت علی (ع) را که پیش از سیدرضی سالیان متمادی در دست مردم بود، فراهم آورد و ذکر کند تا جایی برای توهم و شبهه نباشد. تکمله منهج البراعه و کتاب صادر و مأخذ نهج‌البلاغه در این ارتباط نوشته شده است (۲۷).

اهتمام به نعمت ولایت: یک وقتی ایشان می‌فرمود کتاب عیون مسائل نفس را که کتاب مهمی است و کتاب سر پیری من است، اسمش را می‌گذاشتم عیون خمینی. برای قدردانی از شخصیت بی‌نظیر ایشان که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و تمهید کننده تمام ترقیات علمی و عملی برای حوزه‌ها و کاری که ایشان کرد واقعاً هیچ‌کدام از آقایان در طول تاریخ نکردند (۲۸).

روحیه جهادی: اوایل انقلاب، علامه، امام جمعه آمل بودند. در آن ایام ارتباط زیادی با مردم داشتند. آن زمان، کمونیست‌ها و چریک‌ها به آمل حمله کردند و آمل به

شهر هزار سنگر تبدیل شد، فرمانده اصلی مبارزه با کمونیست‌ها و دفاع از شهر و مردم آمل، بودند؛ نه اینکه ایشان را از سمت حکومت تعیین کرده باشند، بلکه علامه در آمل بودند و ایشان خود به میدان آمدند و لباس رزم پوشید و به دفاع از شهر پرداختند (۲۹).

برنامه‌های تبلیغی: ایشان پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان امام جمعه آمل منصوب شده و به‌رغم مشکلات و نداشتن وسایل برای مسافرت، برنامه‌های تبلیغی خود را پیش بردند (۳۰).

احترام به مشایخ: یک‌بار ایشان بیانی در باب بوعلی داشت که یکی از دوستان گفته بود مگر بوعلی معصوم است؟ ایشان گفته بودند ما که نمی‌گوییم معصوم است؛ ولی بزرگ فن است. باید به حرفش اعتنا کرد و با احترام و با تمجید و تکریم از وی یاد می‌کردند (۳۱).

نتیجه‌گیری

حضرت علامه حسن‌زاده با تأکید بر تهذیب اخلاقی، تربیت اخلاقی جامعه و نقش خانواده را در تربیت نسل‌های جوان بسیار ارزشمند می‌دانستند؛ به عبارت دیگر، سلوک اجتماعی حضرت علامه که حکمت عملی و تهذیب اخلاق را به‌عنوان راهنمایی اصیل برای تربیت انسان و تعالی جامعه معرفی می‌کند، نشانگر تلاش این عالم بزرگ برای تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه اسلامی است. پژوهش حاضر در ارزش‌هایی با تم اخلاقی « تقویت ایمان و عمل صالح، تمرکز بر معرفت نفس، تمرکز بر نتایج دنیوی اخلاق، تمرکز بر نتایج اخروی اخلاق » با پژوهش فیروزمهر (۱۳۹۶) مشابه است و در ارزش‌هایی با تم اجتماعی « محبت، امنیت اجتماعی، ایثار و امر به معروف و نهی از منکر » با نبی‌لو (۱۳۹۱) مشابه است.

پیشنهادهای

- تعامل با دیگر شاگردان و علمایی که تحقیقات مشابهی در زمینه حکمت عملی و تهذیب اخلاق انجام داده‌اند می‌تواند منابع بسیار ارزشمندی برای تحقیقات بعدی فراهم کند.

اصول اخلاقی لازم، برای استفاده از متون مرتبط اندیشمندان، مراعات گردیده و سعی شده تمامی مطالب به صورت کاملاً مستند ذکر گردد.

تعارض منافع

نویسندگان پژوهش بیان می‌دارند که در پژوهش حاضر هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان وظیفه خود می‌دانند، از تمامی کسانی که در تدوین این تحقیق ما را یاری نموده‌اند، نهایت سپاسگزاری و قدردانی را به عمل آورند.

- ارتقاء آموزش و تعلیم از طریق نتایج این تحقیق می‌تواند بهبود برنامه‌های تربیتی و تعلیمی در زمینه اخلاق و حکمت عملی را ترویج کند.
- این اقدامات می‌توانند به بهبود کیفیت آموزش اخلاقی در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز تعلیمی مختلف کمک کنند و تعالی اخلاقی جامعه را تقویت نمایند.

حمایت مالی

این پژوهش بدون هرگونه حمایت مالی به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در این پژوهش تمامی

References

1. Fakkur Yahyayi Bibi B. The issue of legitimacy in the political system of Supreme Wisdom. Laws of Nations Quarterly. 2017; 25.
2. Firuzmehr M M. General Methods of Self-Purification from the Perspective of Allameh in al-Mizan. Scientific. Quarterly Journal of Ethics. 2018; 7(25).
3. Nabi Lu A. An Investigation into Khwaja Nasir al-Din Tusi's Views on the Education and Training of Humans and the Value System Governing It. Educational Literature Research Journal. 2012; 4(16).
4. Soltani Ranani S M. Components of Social Ethics from the Perspectives of Allama Tabatabai and shahid Motahhari. Islamic Social Research Journal. 2013; 19.
5. Razavi A. The Missions and Fundamental Responsibilities of Religious Scholars in the View of shahid Motahhari. Research Journal of Islamic Sciences and Culture. 2004; 21 (122).
6. Ebrahimi Dinani G. Practical wisdom in the boostan. Saadi Science Center. 2010.
7. Yazdani Moghadam A. Intellect and revelation in the political thought of Khwaja Nasiruddin Tusi. The supreme politics magazine. 2013; 1(2).
8. Shadman A. Intellect and rationality in the thinking and works of Khwaja Nasiruddin Tusi. Marafet magazine. 2009; (140).
9. Farabi Abu. Fusul muntaz'ah. Al-Zahra School. 198.
10. Salehi S, Kermani T. Khwaja Naseer's methodology in planning the house and its impact on lifestyle. Aine Marafet scientific journal. 2019.
11. Farabi Abu. Opinions of the people of Madinah Fazleh. Translated: by Jafar Sajjadi. Tahuri. 1983.
12. Nasrasafhani M. Farabi's silence. the place of the home in the Utopia. Tabriz University Philosophical Research Journal. 2002; 16(38).
13. Ebrahimi M, Sharoni S. A comparative analysis of the principles of modern politics in the book of Shahriar Machiavelli and Akhlaq Naseri. Persian Literature Prose Publication. 2019; 22(46).
14. Abedi Jafari H, Taslimi M S, Faqihi A, Sheikhzadeh M. Theme analysis and theme network is a simple and efficient way to explain patterns in qualitative data. Strategic Management Quarterly. 2011 (5).
15. Ramezani H. Allaame Hassanzadeh Amoli revered the divine authority and took pride in the proximity to the Supreme Being. 2021. <https://iqna.ir/fa/news/4011083>.
16. Ramezani H. Allameh Hassanzadeh Amoli in the words of Professor Ramazani Khorasani. 2012. <http://alamehasanzade.blogfa.com/post/1216>
17. Samadi Amoli D. Philosophical view.human, truth, philosophy. 2009. <http://jorsara.blogfa.com/category/2>
18. Ramezani H. Allameh Hassanzadeh Amoli in the words of Professor Ramazani Khorasani. 2013. <http://teb93.blogfa.com/post/168>

19. Ramezani H. Allameh Hassanzadeh Amoli receiving his knowledge from Imam Reza. 2022. <https://www.hawzahnews.com/news/981351>
20. Samadi Amoli D. Some of the revelations and allegories with examples from Allameh Hassanzadeh Amoli. 2013. <http://alameh-hassanzade.blogfa.com/category/14>
21. Yazdan Panah Y. Description and memories of Allameh Hassanzadeh Amoli in the words of his student, Professor Yazdan Pena. 2022. <https://arefane.blog.ir › tag › .allameh hassanzade>
22. Hassanzade S. Interview with the gril of Allameh Hassanzadeh Amoli. 2021. <https://hawzah.net/fa/Discussion/View/78624>
23. Hassanzade A. The Story of Hunger and the Will of Allameh Hassanzadeh Amoli/ When did Allameh become angry. 2021. <https://www.hawzahnews.com/news/980449/>
24. Remezani H. A scholar who kissed the feet of his master. 2012. <https://www.rajanews.com/news/111641>
25. Ramezani H. Love for the teacher. 2013. <http://forum.bidari-andishe.ir/archive/index.php/thread-28358.html>
26. Hassan Ramezani H. Allameh Hassanzadeh's lifestyle after the death of his wife. 2020. <http://www.dte.ir/portal/home/?news>
27. Hassanzade A. Allameh Zulfunun Hazrat Ayatollah Hasan Hassanzadeh Amoli. 2020. <https://lms.avayetowheed.com/cont/1863/>
28. Javadi Amoli A Allameh Hassanzadeh Amoli's first meeting with Imam Khomeini in Khordad 1342. 2021. <http://www.imam-khomeini.ir/fa>
29. Javadi Amooli A. Readings from the social life of Allameh Hassanzadeh Amoli. 2021. <https://www.qudsonline.ir/news/77338529>.
30. Islamic Revolution Document Center database. A pause in the political phases of Allameh Hassanzadeh Amoli's life. 2021. <https://irdc.ir/fa/news/7191>
31. Yazdan Panah Y Ayatollah Allameh Hassanzadeh Amoli's scholarly position was criticized. 2021. <https://hawzah.net/fa/Discussion/View/81204>